



The Origin and Formation of Quranic Jurisprudence from the Perspective of Orientalists *



Baqer Riahi Mehr ^۱

Hossein Sepehri Fard ^۲

Abstract

Quranic jurisprudence or in other words Islamic jurisprudence as a complete system of Islamic rules and laws has been reflected in the works of Orientalists for a long time. In other words, the origin and source of Quranic jurisprudence are one of controversial issues in this field of study. Orientalists have turned to the studies of Islamic studies and jurisprudence with different aims and objectives. In their works, they have criticized and examined this issue, and they have addressed the basic question of whether the jurisprudence rulings were issued from the primary source of the Quran or whether jurisprudence has Islam been influenced by other divine religions such as Judaism and Christianity and even the laws of some countries? From this, the present study deals with the "origin and formation of Quranic jurisprudence from the point of view of the Orientalists" by descriptive-analytical method and by collecting information in the library method and content analysis. Referring to some apparent similarities of Islamic laws with the laws of previous divine religions, they developed this premise and paid attention to the fact that, contrary to the opinion of Muslim thinkers, Islamic jurisprudence is not derived from the Quran and the source of revelation, but this group of laws has entered the religion of Islam from Judaism and Christianity, and in this regard, some cases of similarity of Islamic laws with the laws of previous religions have been pointed out. Of course, some orientalists, along with Muslim thinkers, believe that since the rulings in different religions are from the heavenly God, therefore it is not strange to observe some aspects of similarity, and since the rulings in the heavenly religions were issued from a single source and for common purposes, they have aspects of similarity, and several reasons such as the existence of some jurisprudence and rules such as the system of hasbah, iqab, ta'zir, zakat, etc., which exist only in Islam and jurisprudence of the Quran, are a clear proof of the non-adaptation and formation of Islamic jurisprudence from other sources that the author criticizes in the present study by addressing the opinions of some orientalists about the origin of the jurisprudence of the Quran.

Keywords: Quranic jurisprudence, Origin of Jurisprudence, Orientalists, Jewish Laws, Christian Laws, Worshipping Teachings of Islam.

*. **Date of receiving:** May ۶, ۲۰۲۲; **Date of correction:** September ۱, ۲۰۲۲; **Date of approval:** December ۲۶, ۲۰۲۲.

^۱. Assistant Professor of the Quran and Orientalist Department of the Higher Education Complex of the Quran and Hadith, Al-Mustafa International University, Qom, Iran; (Corresponding Author): (dr.riahi@chmail.ir)

^۲. Master Student of Theology, University of Qom, Qom, Iran; (sepehrifard.hosein@gmail.com)



خاستگاه و شکل گیری فقه القرآن از منظر مستشرقان*

باقر ریاحی مهر^۱ و حسین سپهری فرد^۲



چکیده

فقه القرآن یا به عبارت دیگر فقه اسلامی به مثابه منظومه‌ای کامل از حقوق و قوانین اسلامی، از دیرباز در آثار مستشرقان منعکس شده است. به بیان دیگر خاستگاه و سرچشمه فقه القرآن از جمله مسائل بحث‌برانگیز در این حوزه مطالعاتی است. مستشرقان با اغراض و اهداف مختلف به مطالعات اسلام‌شناسی و فقه‌پژوهی روی آورده، در آثار خود، این مسئله را مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند، و به این سؤال اساسی پرداخته‌اند که آیا احکام فقهی از مصدر اولیه قرآن منبعث و صادر شده‌اند و یا آنکه فقه اسلامی متأثر از سایر ادیان الهی همچون یهود و مسیحیت و حتی قوانین برخی کشورها بوده است؟ از این رو پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل محتوایی به «سیر خاستگاه و شکل‌گیری فقه القرآن از منظر مستشرقان» پرداخته و برآمد پژوهش بیانگر آن است که مستشرقان در آثار فقه‌پژوهی خود، با استناد به برخی از شباهت‌های ظاهری احکام اسلامی با قوانین ادیان الهی پیشین، این پیش‌فرض را توسعه داده و بر این مهم اصرار داشته‌اند که برخلاف نظر اندیشمندان مسلمان، فقه اسلامی برگرفته از قرآن و مصدر وحی نیست؛ بلکه این دسته از قوانین از آیین یهودیت و مسیحیت وارد دین اسلام شده است و در این راستا به برخی از موارد تشابه قوانین اسلامی با قوانین ادیان پیشین اشاره کرده‌اند. البته برخی از مستشرقان نیز همسو با اندیشمندان مسلمان بر این باورند که چون مصدر احکام در ادیان مختلف آسمانی از جانب خداوند متعال است، از این رو مشاهده برخی وجوه تشابه عجیب نیست و از آنجایی که احکام در ادیان آسمانی از مصدری واحد و برای اهداف مشترک صادر شده‌اند، دارای وجوه تشابه هستند، و دلایل متعددی همچون وجود برخی از احکام و قوانین فقهی همچون نظام حربه، عقاب، تعزیر، زکات و... که تنها در اسلام و فقه القرآن وجود دارد، خود دلیلی واضح بر عدم اقتباس و شکل‌گیری فقه اسلامی از سایر مصادر است که نگارنده در پژوهش حاضر، با پرداختن به آرا برخی از مستشرقان پیرامون خاستگاه فقه القرآن، به نقد و بررسی آن می‌پردازد.

واژگان کلیدی: فقه القرآن، خاستگاه فقه، مستشرقان، قوانین یهود، قوانین مسیحیت، آموزه‌های عبادی دین اسلام.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۶/۱۰ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۰/۰۵.

۱. استاد یار گروه قرآن و مستشرقان مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمية، قم، ایران (نویسنده مسئول): (dr.riahi@chmail.ir)

۲. دانش پژوه کارشناسی ارشد رشته الهیات دانشگاه قم، قم، ایران: (sepehrifard.hosein@gmail.com)



طرح مسئله

قرآن نخستین منبع احکام فقهی است که از سوی فقها به عنوان مصدر استنباط و استخراج احکام اسلامی واقع گردیده است. مسئله استنباط احکام از قرآن کریم، از عهد نبی مکرم اسلام^α و ائمه معصومین^β و در میان تمامی صحابه، تابعین و صاحبان مذاهب و علمای اسلام به عنوان امری تردیدناپذیر است. برخی از مستشرقان فقه القرآن را به شخص پیامبر^α نسبت می دهند و هرگونه جنبه وحیانی آن را منتفی می دانند و از این رو از فقه القرآن با تعبیری همچون «قانون محمدی» در آثارشان یاد کرده اند. از منظر بسیاری از مستشرقان، نظام فقهی قرآن از آیین های الهی پیشین همچون یهودیت و مسیحیت اقتباس شده است. اندیشمندان غربی برای اثبات مدعای خود در پژوهش های فقه شناختی خویش، به برخی از موارد تشابه احکام اسلامی با احکام آیین یهود و مسیحیت اشاره نموده اند. در نقطه مقابل اندیشمندان مسلمان از سویی این مسئله را مطرح کرده اند که تمامی ادیان الهی از یک مصدر واحد (خداوند متعال) صادر شده و همگی برای هدایت بشر آمده است، از این رو تشابه در برخی از احکام عبادی و فقهی در ادیان مختلف الهی دیده می شود؛ اما از سوی دیگر با بررسی موارد متعدد فقهی و احکام اسلامی در صدد آن برآمده اند تا تفاوت ماهوی احکام فقهی اسلام را با سایر ادیان الهی نشان دهند. خاورپژوهان که به مطالعات فقه پژوهی علاقه مند شدند، اکثر تمایل داشتند که فقه القرآن را متأثر از قوانین آیین های دیگر قلمداد کنند، تا جایی که حتی قرآن کریم را نیز متأثر از عهدین می دانند. خاستگاه این ادعا فارغ از تمامی اهداف و اغراض خاورپژوهان آن است که مستشرقان ضمن بررسی فقه و قوانین اسلامی آن را آنچنان نظام فقهی - عبادی منسجم، منطقی و عقلانی یافته اند که تصور شکل گیری آن از محیطی همچون جزیره العرب با آن درجه از انحطاط اخلاقی، اقتصادی، علمی و اجتماعی برایشان محال تصور است و از این رو با این پیش فرض که منبعث شدن این احکام و قوانین اسلامی از محیط جزیره العرب ممکن نیست، بنابراین در صدد ارتباط فقه اسلامی (فقه القرآن) با سایر قوانین همچون قوانین و احکام ادیان پیشین برآمده اند.

از این رو با توجه به مطالب فوق الذکر، این پژوهش در صدد پاسخ بدین سؤال اصلی است که خاستگاه و شکل گیری فقه القرآن از منظر خاورپژوهان چیست؟ که مقاله حاضر با بررسی موردی احکام نماز در مقام پاسخ به این سؤال برآمده است تا ضمن رد نظریه مستشرقان مبنی بر اقتباس احکام اسلامی از سایر ادیان، به شبهات و مجهولات این مسئله پاسخ مناسب دهد.

الف. مفهوم‌شناسی فقه

علم فقه دانشی است که تمامی طوایف و مذاهب اسلامی بر آن توجه و اهتمام دارند (ضلی، مبائی علم الفقه، ۱۴۱۶ ق: ۱/ ۱۹) از منظر برخی از علما و اندیشمندان برجسته مسلمان، علم فقه پس از علم توحید و شناخت خداوند، از بافضیلت‌ترین و مهم‌ترین دانش‌های اسلامی است (علامه حلی، تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیة، ۱۴۲۰ ق: ۱/ ۴۰)؛ تا جایی که حیات جامعه اسلامی بدون آن مستمر نخواهد بود. در واقع علم فقه زندگی عملی انسان را در بعد فردی و اجتماعی سامان می‌بخشد و موجبات کمال و پیشرفت بشر را ممکن می‌سازد (عاملی، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، ۱۳۷۴ ق: ۲۸-۲۹)

اندیشمندان لغوی در مفهوم‌شناسی لغوی فقه، معانی همچون دانستن، فهمیدن، درک کردن چیزهای مخفی را آورده‌اند (جوهری، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، ۱۴۱۰: ۶/ ۲۲۴۳؛ فیروزآبادی، قاموس المحيط، ۱۴۲۸: ۴/ ۲۸۹؛ ابن فارس، لسان العرب، ۱۴۰۴: ۴/ ۴۴۲) راغب اصفهانی در کتاب «مفردات» فقه را به معنای دستیابی به معلومات غایب از طریق معلومات حاضر آورده است (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲: ۶۴۲). فقه در اصطلاح دانستن احکام شریعت از راه برهان است (گرچی، تاریخ فقه و فقهاء، ۱۳۷۷ ش: ۷). با توجه به معنای اصطلاحی فقه، موضوع فقه مجموعه تمامی قوانین و مقررات عملی فردی و اجتماعی اسلام است (نوری، آشنایی با فقه، ۱۳۷۸ ش: ۱۵). هدف علم فقه کشف احکام خداوند است و علم فقه به استمداد از منابع و براهین مورد قبول اسلام، در تمامی حوزه‌هایی که انسان نیازمند علم بر احکام الهی است، با کنکاش و بررسی، قوانین خاصه آن موضوع را منکشف می‌سازد (جناتی، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، ۱۳۷۴ ش: ۸).

ب: مفهوم‌شناسی استشراق

استشراق به مفهوم خاورشناسی است که معادل لاتین آن واژه (Orientalism) است که از کلمه «Orion» به مفهوم مشرق زمین گرفته شده است (آریان‌پور، فرهنگ همراه انگلیسی فارسی، بی‌تا: ۵۳۵) که معادل کلمه «East» یعنی سمت طلوع خورشید است (Oxford Dictionary, p ۳۹۷). تفاوت این دو کلمه آن است که orient مکان محدودی از لحاظ جغرافیایی است؛ اما East به شرق هر شیء یا مکانی اطلاق می‌شود (Ibid, p ۸۹۵).

استشراق در بین واژه‌شناسان عرب، از محل طلوع خورشید اقتباس شده که به اسلام‌شناسی توسط غیرمسلمانان اطلاق می‌شود (سباعی، الاستشراق والمستشرقون ما لهم و ما علیهم، ۱۴۰۵: ۱۹). علی‌الصغیر در این مورد می‌گوید: استشراق به مطالعات غربی‌ها درباره فرهنگ شرق، بالاخص هرآنچه متعلق به تاریخ، زبان، رسوم، هنر، علوم و عقاید باشد، اطلاق می‌شود، لذا مستشرق فردی است که



درباره آنچه مربوط به مشرق زمین است مطالعه می کند (علی الصغیر، الدراسات القرآنیة، ۱۴۱۳: ۱۱) به بیانی دیگر، مستشرقان، گروهی از اندیشمندان غیرمسلمان هستند که به طور ویژه به خاورشناسی از جمله فرهنگ عرب، تاریخ عرب، اسلام، مسلمانان و آداب و سنت های ایشان می پردازند. از این رو، فقه شناسی یکی از محورهای مطالعاتی مستشرقان بوده که به دلیل رویکرد متمرکز اندیشمندان یهودی و مسیحی به تحقیقات اسلامی حاصل شده است، هرچند برخی از غربی ها و حتی اندیشمندان مسلمان که در محدوده جغرافیایی غرب زندگی می کنند نیز مستشرق شمرده شده اند. هرچند باید به این نکته اذعان داشت که مطالعات مستشرقان، لزوماً به دلیل احترام و مهم بودن علوم اسلامی برای ایشان نیست؛ بلکه گاهی به دلیل نیاز به منابع اسلامی، و از سویی عناد با اسلام و استعمار سرزمین های اسلامی، نیاز به شرق شناسی را تشخیص داده و عملیاتی کرده اند.

رویکرد مستشرقان نسبت به شکل گیری فقه القرآن

در منابع مستشرقان، تعاریف جامعی از فقه به چشم می خورد. گلدزیهر (Golziher) مستشرق مشهور مجاری می نویسد: فقه به معنای دانشی است که به طور جامع، تمامی عرصه های مذهبی، سیاسی و مدنی زندگی را شامل می شود. وی کلمه (Jurisprudence) را معادل واژه فقه و برگرفته از واژه (Jurispradentia) در قوانین رومی می داند و اشاره می کند: فقه، قوانین خانواده، ارث، قواعد مالی، عقود، معاملات، قوانین جزایی، اداری، حکومتی و جنگی را شامل می شود (گلدزیهر، درس هایی از اسلام، ۱۳۶۷: ۱۰۱). جوزف شاخت (Schacht) مستشرق آلمانی در مورد فقه چنین می گوید: فقه اسلامی، چکیده تفکرات ناب اسلامی است، که بهترین نمونه و الگوی روش زندگی اسلامی را ارائه می دهد (Schacht, An Introduction to Islamic Law, ۱۹۶۴, p۱).

اولین مطالعات مستشرقان در مورد خاستگاه فقه به اواخر قرن نوزده برمی گردد. ادوار زاخائو (Eduard Sachau) در مقاله ای که در سال ۱۸۷۰ میلادی چاپ گردید، تحولات فقه اسلامی را در بین مسلمانان به رسمیت شناخت. زاخائو بیان می دارد که صحابه از قرآن و سنت پیامبر اکرم^ع برای استنباط فقه بهره جسته اند، و تابعین در مورد مستحدثاتی که حکم مشخصی در قرآن و سنت بر آن یافت نمی شد، از رأی و اجماع بهره جسته اند (ibid, p ۷۰۱)؛ که در دوره های بعدی، رأی به صورت قیاس ظاهر گردید و به چهارمین منبع اصول فقه مبدل شد (ibid, pp ۷۰۸-۷۱۵)، از دیدگاه زاخائو، تکوین علم فقه، به عنوان علمی مستقل، از ابتدا قرن دوم شروع شد که نشانه های آغازین آن، پیدایش مفهوم «رأی» بود که بعدها به حد و شاخص تمایز اصحاب رأی و اهل حدیث تبدیل شد (پاکتچی، اصحاب حدیث، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۱: ۱۳۲/۹ - ۱۲۶).

آلفرد فن کرمر (Alfred von Kremer) نیز بر همین نظر در مورد خاستگاه فقه اسلامی است. به نظر ایشان، پس از پیامبر اکرم^ص، قرآن و سنت رسول اکرم^ص مهمترین منابع حقوق اسلامی به شمار می‌رود. پس از نبی مکرم^ص، سه خلیفه اول و امام علی^ع بر طبق سنت رسول اکرم^ص عمل می‌کردند و صحابه و تابعین نیز با استفاده از احادیث، به گسترش سنت کمک شایانی نمودند (Kremer, Culture Geschichte des Orients unter den chalifen, ۱۸۷۵, pp ۴۷۰ - ۴۷۴). طباق نظر کرمر، مدینه خاستگاه مکتب فقهی نخستین بوده است. مالک بن انس (م ۱۷۹ هـ) بر اساس آرای «فقه‌های سبعة» که در قرون نخستین در مدینه، از مقبولیت عام برخوردار بودند، فقه خویش را بنا نهاد (ibid, p ۴۸۳). در مقابل ایشان، اصحاب رأی عراق بودند که ابوحنیفه (م ۱۵۰ هـ) و ابن ابی لیلی (م ۱۴۸ هـ) از پیشگامان آن به شمار می‌آیند که برای استنباط احکام فقهی در صورتی که مستندی از آیات و روایات موجود نبود، از قیاس استفاده می‌کردند (ibid, p ۴۹۰).

ایگناتس گلدزیهر (Ignác Goldziher) در میان خاورپژوهان، بیشتر از سایر مستشرقان، به نظریه اقتباس فقه القرآن از آیین ادیان الهی پیشین همچون یهود و مسیحیت و حتی حقوق رومی اصرار می‌ورزد، او بر این اعتقاد بود که در قرن اول هجری، هنوز احادیث کافی برای شکل‌گیری قوانین اسلامی و تغذیه نظام فقهی - عبادی اسلام در دسترس نبوده است، از این رو فقها و اندیشمندان مسلمان برای پرکردن این خلأ، در کنار آراء اجتهادی خود از نظام فقهی - عبادی دیگران و غالباً آیین یهودیت و مسیحیت و برخی قوانین رومی اقتباس جسته‌اند (گلدزیهر، درس‌هایی از اسلام، ۱۳۶۷: ۷۴).

گلدزیهر، این نظر را ابراز داشت که خاستگاه فقه اسلامی، قرآن و سنت نبوده است، و غالباً بر اساس رأی شکل گرفته است و رأی صحابه‌ی متقدم، حکم علم را برای فقه‌های متأخر پیدا نمود (Goldziher, "Fikh", EI^۱, ۱۹۲۷, pp ۱۰۱ - ۱۰۵). وی می‌نویسد: تکوین فقه اسلامی به نیمه قرن دوم برمی‌گردد، و در ابتدای قرن دوم، در مدینه، سوریه و عراق، پایه‌گذاری نظام فقه اسلامی را شاهد هستیم، هرچند در دوران خلفای اموی این امر محقق نشد و در دوران خلفای عباسی بالاخص هارون الرشید و مأمون، فقه رسمی اسلامی پایه‌گذاری شد (Goldziher, Muslim Studies, ۱۹۷۱, pp ۷۱ - ۷۳).

پس از گلدزیهر و کرمر، مستشرقان دیگری همچون هرخرونیه (Hurgronje)، اسپرنگر (Sprenger)، مارگلیوت (Margoliouth) و مک دونالد (Mac Donald) نیز مطالعاتی پیرامون فقه اسلامی داشته‌اند. بر اساس مطالعات گلدزیهر، فقه اسلامی از همان ابتدا، بر اساس رأی تکوین یافته است. به نظر وی، استفاده از رأی اشخاص در کنار منابع سنتی، در قضاوت، امری غیرقابل اجتناب بوده که در نیمه‌ی قرن



دوم به شکل قیاس ظاهر گردید. به اعتقاد ایشان، ناگزیر برای رسیدن به رأی، جعل احادیثی در این راستا صورت گرفته است که برای نیل بدین هدف، رأی‌ها، همان احادیث جعلی بودند که لباس حدیث بر خود پوشاندند (Goldziher, Die Zāhiriten, ۱۸۸۴, p ۱۱-۳).

چارلز کولسون (Charles Coulson)، صاحب کتاب تاریخ شریعت اسلامی، که از مستشرقین انگلیسی به‌شمار می‌آید، نظریات گلدزیهر را به نقد کشیده است و چنین می‌گوید: «پس از هجرت رسول اکرم^α و پس از آنکه اعراب به سوی اسلام گرویدند، قرآن کریم در تکوین شریعت نقش حائز اهمیتی ایفا کرد و جایگاه محمد^α از پیام‌آوری به شارع اسلام تغییر یافت». از دید کولسون، تعبیری که در آیات قرآن کریم بدان پرداخته شده، بیشتر الزامات اخلاقی هستند و مفاهیمی از جمله: توجه به ضعیفان، عدم غبن در معاملات اقتصادی و ... معیارهایی برای همزیستی و تعامل بهتر به حساب می‌آیند که هرچند الزام قانونی ندارند؛ اما در واقع، منشأ قوانین شرعی به حساب می‌آیند. آیات الاحکام قرآن کریم بالغ بر ۶۰۰ آیه است که غالباً بر قوانین عبادی اشاره دارد، در حالیکه احکام حقوقی قرآن در حدود ۸۰ آیه است (Coulson, A History of Islamic law, Islamic Survey ۲, ۱۹۹۱, pp ۱۱-۱۲). کولسون با نظریه اقتباس قوانین فقه از قوانین روم و یهود نیز مخالفت می‌کند و معتقد است که سهم بزرگی در تکوین حقوق اسلامی، معطوف به پیامبر اکرم^α است که در دوران حکومتش در مدینه، بنا بر اقتضاء شرایط، آنها را وضع نموده است که به‌عنوان نمونه به تقسیم ارث برای صاحبان سهام، و تحدید وصیت به یک سوم ترکه، می‌توان اشاره نمود (ibid, pp ۲۲-۳۰). کولسون خاستگاه فقه را پس از وفات پیامبر اکرم^α قرآن و سنت پیامبر^α می‌داند.

جوزف شاخنت نیز از جمله مستشرقانی است که مطالعات فقه‌شناختی دارد و از جمله تألیفات وی، مبادی فقه اسلامی (The origin of Muhammadan Jurisprudence) و مقدمه‌ای بر حقوق اسلام (An introduction of Islamic law) است. بنابر نظر شاخنت، قرآن و سنت را نمی‌توان از مبانی فقه اسلامی به شمار آورد (پارسا، حدیث در نگاه خاورشناسان، ۱۳۸۸: ۳۱-۵۱) و احکام شرعی قرآن محدود به احوالات شخصی و قوانین ارث است. بنابر دیدگاه شاخنت، در سال‌های ابتدایی هجرت، قوانین اسلام، منطبق با رسوم اعراب و عرف جامعه آن زمان، تدوین شده است که این رسومات در اشعار جاهلی و اساطیری عرب به چشم می‌خورد. او می‌گوید: سنت، در نظر اعراب عصر جاهلیت، همان عرف بوده و قوانین اداره جوامع عربی، عرف آباء و اجدادی بوده است (Schasht, An Introduction to Islamic Law, ۱۹۶۴, p ۱۷). بیشتر نظریات وی، برگرفته از کتاب امام شافعی بوده که از پیشگامان اهل حدیث مدینه است و دیدگاه افراطی‌تری نسبت به گلدزیهر درباره فقه اسلامی دارد و خاستگاه فقه اسلامی را به قوانین

اجرای و اداری حکام اموی نسبت می‌دهد (Sshasht, The Origins of Muhammadan Jurisprudence, ۱۵۲ p, ۱۹۵۰) وی در این مورد می‌نویسد: بررسی مسائل فقه اسلامی حاکی از آن است که آرای اهل عراق، نسبت به آرای اهل مدینه پیشتاز بوده است» (ibid, p ۱۴۴) و بر طبق دیدگاه وی، عراق نقش محوری را در تکوین فقه داشته است نه مدینه (ibid, p ۲۲۲).

از نگاه ساخت، این امکان متصور نیست که فقه القرآن از محیطی که در آن رشد کرده، تأثیر پذیرفته باشد، فلذا در آثار خود به تأثیر پذیری قوانین اسلامی از محیط زندگی پیامبر و تفکرات اعراب جزیره العرب اشاره می‌کند و همچنین تأثیر پذیری اسلام از قوانین یهودی را نیز بیان می‌کند. البته او معتقد است که فقه القرآن با قوانین یهود و مسیحیت تباین ماهوی دارد و قوانین فقهی آیین یهود و مسیحیت هر چند از نزدیک‌ترین نظام‌های فقهی - حقوقی به فقه اسلامی هستند؛ اما به نحو محسوسی با آن تفاوت دارند (ساخت، دیپاچه‌ای بر فقه اسلامی، ۱۳۸۸: ۱۲ - ۱۳).

هارالد موتسکی (Harald Motzki)، مستشرق آلمانی، خاستگاه فقه را در داخل شبه جزیره عربستان می‌داند و اعتقاد دارد که فقه در قرون اولیه هجری در مکه نقش بسته است. موتسکی، در کتاب مبادی فقه اسلامی (the origin of Islamic jurisprudence) به نقد نظرات گلدزیهر پرداخته و تمامی فرضیاتش را بر مبنای حدس و گمان به شمار می‌آورد که بدون ارائه شواهد و مدارکی، صرفاً آنها را ابراز کرده است. بنابه نظر موتسکی، گزارشات تاریخی گلدزیهر، نقادانه‌تر از زاخائو و کرمر و دیگران است، اما به شدت مخالفت خود را با گزارشاتی که در تعارض با نظریه وی در مورد تاریخ فقه اسلام است، ابراز داشته و آنها را جعلی می‌پندارد (Motzki, , The Origins of Islamic Jurisprudence Meccan Fiqh before the Classical Schools, ۲۰۰۲, pp ۱۰ - ۱۴).

موتسکی، نظریات خود پیرامون فقه اسلامی را از منابع متقدم اسلامی همچون مصنف صنعانی و مصنف ابن ابی شیبه، اقتباس کرده است. و این مسئله را خاطرنشان می‌کند که چنین منابعی در اختیار گلدزیهر نبوده و برای همین وی به نتایجی متفاوت رسیده است. وی کتاب موطأ مالک را در شناخت فقه مدنی و کتاب الآثار ابویوسف را در شناخت فقه کوفی ابوحنیفه، ممتاز برمی‌شمارد، که از مهم‌ترین منابع فقه مکی به شمار می‌روند. موتسکی، در شرح چگونگی تکوین فقه مکی، به مذاقه در آثار مرویات مکی (ابن جریر و ابن عینیه) در دو کتاب النکاح و الطلاق می‌پردازد.

هنری بوسکیه فرانسوی (Henri Bousquet) نیز از جمله مستشرقانی است که به اصالت فقه القرآن معتقد است و در تحقیقات خویش به این مسئله پرداخته که قوانین اسلامی شاید در ظاهر تشابه با قوانین سایر ادیان الهی داشته باشند؛ اما در مبادی، اهداف و ویژگی‌های فنی با همدیگر افتراقاتی دارند. وی اعتقاد دارد



که تشابه، نمی تواند دلیلی بر اقتباس باشد. ایشان حتی امکان ورود قوانین رومی به قوانین اسلامی را از طریق دیرهای زرتشتیان و کنیسه ها مردود می داند. بوسکیه با این استدلال که مصدر احکام در ادیان الهی خداوند است، لذا بایستی تشابه داشته باشند و از پژوهش های موردی نیز به سختی می توان نتیجه گرفت که فقه القرآن و احکام اسلامی از آیین یهود و مسیحیت گرفته شده باشند (سالم الحاج، نقد الخطاب الاستشراقی الظاهرة الاستشراقية وأثرها فی الدراسات الإسلامية، ۲۰۰۲ م: ۴۵۳).

جدول: رویکرد خاورپژوهان نسبت به شکل گیری فقه القرآن

ردیف	نام مستشرق	دیدگاه
۱	ادوار زاخائو (Eduard Sachau)	شروع علم فقه القرآن از قرن دوم که به پیدایش مفهوم «رأی» انجامید.
۲	آلفرد فن کرم (Alfred von Kremer)	مدینه خاستگاه نخستین مکتب فقهی بوده است.
۳	ایگناتس گلدزیهر (Ignác Goldziher)	اقتباس فقه القرآن از ادیان الهی پیشین همچون یهود و مسیحیت.
۴	چارلز کولسون (Charles Coulson)	فقه القرآن دارای اصالت مصدر است و از ادیان دیگر اقتباس نیافته است.
۵	جوزف شاخت (Joseph Schacht)	فقه القرآن متأثر از رسوم اعراب و عرف جامعه شکل گرفته است.
۶	هارالد موتسکی (Harald Motzki)	خاستگاه فقه القرآن از شبه جزیره عربستان است.
۷	بوسکیه (Henri Bousquet)	فقه القرآن علی رغم شباهت به سایر ادیان، اما از ادیان دیگر اقتباس نگرفته است.

با توجه به جدول فوق، و با دقت در دیدگاه های مستشرقان پیرامون خاستگاه فقه القرآن می توان چنین گفت که عمده دیدگاه های ایشان بر این پایه استوار است که شکل گیری قوانین فقهی قرآن نمی تواند از محیط جزیره العرب که مملو از انحرافات اخلاقی، سیاسی و اجتماعی بوده متأثر باشد؛ بلکه بایستی جریانی را جستجو کرد که قبل از اسلام وجود داشته که اسلام با تأثر از آن، به شکل گیری احکام فقهی - عبادی پرداخته است، البته در رد این دسته نظرات بایستی گفت که از آن جایی که ادیان آسمانی همگی از جانب خداوند متعال صادر گردیده اند، مبدأ و اهداف واحدی دارند، بنابراین در نوع عبادات و احکام فقهی دارای وجوه تشابه متعددی هستند، از این رو در آیات قرآن کریم و منابع اسلامی تصریح بر این موضوع وجود دارد که شریعت های پیشین، شریعت ماست تا زمانی که قرآن و سنت آن را نسخ نکرده باشد، در نتیجه وجود برخی از شباهت های ظاهری و ماهوی در مسائل فقهی عجیب نیست. البته

برخی از مستشرقان همچون هارالد موتسکی (اسلام‌شناس معاصر آلمانی) نظر عام مستشرقان مبنی بر شکل‌گیری فقه‌القرآن از ادیان پیشین الهی را رد می‌کند و هم‌نظر با اندیشمندان مسلمان این دسته از نظرات را بر پایه حدس و گمان می‌داند و بیان می‌کند که دلایل منطقی برای این مطلب وجود ندارد و نمی‌توان ثابت کرد که فقه‌القرآن متأثر از نظام‌های فقهی و حقوقی دیگر به وجود آمده باشد و یا از آن متأثر باشد.

مستشرقان و آموزه‌های عبادی دین اسلام

احکام عبادی اسلام، از جمله نماز، روزه، زکات، حج از جمله مواردی است که مستشرقان به آن پرداخته‌اند و شبهاتی پیرامون آن نقل کرده‌اند (بدوی، الدفاع عن محمد ضد المنتقدين من قدره، بی‌تا: ۱۵۹ - ۱۹۲). علاوه بر موارد ذکرشده، مستشرقان در فروعاتی از فقه همچون قصاص، ارث و ... نیز وارد شده و شبهاتی بر آن وارد کرده‌اند. برای مثال، نظر برخی از مستشرقان در مورد نماز را بررسی می‌کنیم:

گروهی از مستشرقان در اصالت و حیانی بودن حکم نماز شبهه وارد نموده‌اند و آن را اقتباسی از آیین یهود دانسته‌اند. آرنست جان ونسینک (Vensinck, Arent Jan)، مستشرق هلندی در این مورد می‌نویسد: محمد α آیین نماز را از یهودیان و مسیحیانی که در عربستان زندگی می‌کردند، فراگرفته و احادیثی که در مورد تعداد رکعت‌های نماز در صحیح بخاری آمده است: عن ابن عباس ان النبي جمع في المدينة عدة صلوات فجعل الظهر والعصر جميعا والمغرب والعشاء جميعا في غير خوف ولا سفر (بخاری، صحیح بخاری، ۱۴۲۵: ۱/۱۱۸)، با آنچه در سفر پیدایش (تورات، سفر پیدایش ۱۸: ۲۳) آمده مشابه است. وی معتقد است که تعداد نمازها حتی تا زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز، مشخص نبوده است (دائرة المعارف الاسلامیه، بی‌تا: ۱۴۰: ۲۲۷).

رونالد ل. نتلر (Ronald L. Nettler) در دایرة المعارف جهان نوین به ارتباط ساختاری دین اسلام و آیین یهود پرداخته و احکام فقهی اسلام را متأثر از یهودیت دانسته است. وی در این مورد می‌نویسد: «پیامبر α انجام اعمالی را توصیه می‌کرد، و رسومی را مقرر می‌داشت که طنین و شکل یهودی داشت، و به نظر می‌رسد سنت‌هایی همچون نماز، روزه و ... در مکه شکل نیمه یهودی داشتند و در مدینه دچار تحول شدند و شکل اسلامی گرفتند» (رونالد ل. نتلر، دائرة المعارف جهان نوین اسلام، مدخل اسلام و یهودیت، ۱۳۹۱: ۱: ۴۳۶).



رینولد نیکلسون نیز فقه عبادی اسلام را متأثر از آیین یهود و مسیحیت می داند و در این مورد چنین آورده است: «محمد» در زمان اقامت خویش در مکه روزی دو نوبت نماز می خواند؛ اما پس از هجرت و سکونت در مدینه همچون یهودیان سه نوبت نماز می خواند، البته برخی از مسیحیان روزی پنج نوبت نماز می خوانند. محمد با تقلید از آیین یهود که روز شنبه را برای عبادت تعطیل می نمودند، روز جمعه را برای این کار معین کرد» (معارف، درآمدی بر قرآن پژوهی مستشرقان و آسیب شناسی آن، ۱۳۸۴: ۷۶).

از منظر آبراهام گایگر، یهودیت منبع قوی برای احکام و فرائض دینی مسلمانان بوده است. از این رو محمد مواردی را که به نظرش مناسب بود از آیین یهود اقتباس کرده است. به اعتقاد وی، محمد حالت ایستاده همانند ربیون را برای نماز انتخاب کرد و علاوه بر حالت ایستاده دو حالت دیگر نشسته و به پهلو خوابیده را نیز برای نماز ذکر می کند (Geiger, Judaism and Islam, ۱۸۹۸, pp ۶۷ – ۶۸).

تئودور نولدکه (Theodor Nöldeke) از برجسته ترین مستشرقان آلمانی معتقد است که جوهره نماز، سوره فاتحه است که در قرآن آمده است و چند واژه این سوره مستقیماً از یهود اقتباس شده است همچون معرفی خدا به عنوان «رحمن» که همان «رحمانا» ی یهود است و نام معروف خدا در دوران تلمودی بوده است (اسکندرلو، ترجمه و نقد مدخل تاریخ گذاری و قرآن، ۱۳۸۳: ۶۸).

چارلز توری (Torrey) در کتاب «یهودیت، شاکله دین اسلام»، به وجهی از شباهت فقه القرآن باب نماز با آیین یهود اشاره کرده و می گوید: «از جمله مواردی که محمد از آیین یهود اخذ کرده، آن است که از منظر فقه القرآن انسان نمی تواند در حالت مستی نماز بخواند، و این مسئله از قوانین شریعت یهود است که انسان نمی تواند در مستی نماز بخواند» (Torry, The Jewish Foundation Of Islam ۱۹۳۳, p ۱۳۶).

دیگر مستشرقان همچون مونتگمری وات و کارل بروکلمان، دیدگاه مشابهی چون ونسینک دارند و آیین نماز را برگرفته از یهودیان عربستان می دانند و چون محمد تحت تأثیر آیین ایشان قرار گرفت، سعی بر آن کرد که دین اسلام را همچون دین یهود بسازد و لذا اعمالی مشابه آیین یهود برای اصحابش در نظر گرفت. و دلیل بر مدعای خویش را این گونه بیان می کنند که پیامبر تا قبل از هجرت در دو نوبت نماز ادا می کردند و بعد از هجرت ابتدا سه نوبت و سپس در پنج نوبت (مشابه نمازهای روزانه یهودیان) نماز می خواندند که این نشان از اثرپذیری پیامبر از آیین یهود دارد. وات برای استدلال این نظر، به نزول آیه ۲۳۸ بقره اشاره می کند و می گوید در مکه دو نوبت نماز بیشتر نبوده است که در مدینه به ۵ نوبت افزایش یافته است.

کارل بروکلیمان (Carl Brockelmann) در این رابطه می‌گوید: آیین خاصی که مسلمان‌ها آن را به جای می‌آوردند، نماز بود که در دو نوبت به جا آورده می‌شود که سپس به سه و پنج نوبت افزایش یافت و همچون مسیحیان در ابتدای نماز وضو می‌گرفتند (بنی‌عمر، المستشرقون و القرآن الکریم، ۲۰۰۴ م: ۲۰۹).

جدول: دیدگاه‌های خاورپژوهان نسبت به اقتباس مسائل فقهی نماز از ادیان الهی پیشین

ردیف	نام مستشرق	دیدگاه
۱.	آرنت جان ونسینک (Vensinck, Arent Jan)	احکام نماز اقتباسی از آیین یهود است.
۲.	مونتمری وات (Montgomery Watt)	آیین نماز برگرفته از یهودیان عربستان بوده است.
۳.	کارل بروکلیمان (Carl Brockelmann)	آیین نماز مسلمانان برگرفته از آیین مسیحیت بوده است.
۴.	رونالد ل. نتلر (Ronald L. Nettler)	آیین نماز و سایر مسائل عبادی اسلام از یهود اخذ شده و در مدینه شکل اسلامی گرفت.
۵.	رینولد نیکلسون (Reynold Alleyne Nicholson)	فقه عبادی اسلام متأثر از آیین یهود و مسیحیت است.
۶.	آبراهام گایگر (Geiger, Abraham)	یهودیت منبع قوی برای احکام و فرائض دینی مسلمانان است.
۷.	تئودور نولدکه (Theodor Nöldeke)	چند واژه از سوره فاتحه که در نماز قرائت می‌شود، مستقیماً از شریعت یهود اقتباس گردیده است.
۸.	توری (Charles Cutler Torrey)	از جمله احکام فقهی اسلام که از آیین یهود اقتباس گردیده، حکم نهی از نماز خواندن در حالت مستی است.



نقد و بررسی

طبق آیات قرآن کریم، در آیین حضرت عیسیٰ ۷ نیز تشریع نماز وارد آمده است: Π قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا O (مریم/۳۰)؛ (ناگهان عیسی زبان به سخن گشود و) گفت: «من بنده خدایم؛ او کتاب (آسمانی) به من داده؛ و مرا پیامبر قرار داده است! Π وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا O (مریم/۳۱)؛ و مرا -هر جا که باشم- وجودی پربرکت قرار داده؛ و تا زمانی که زنده‌ام، مرا به نماز و زکات توصیه کرده است!

در آیات ذکرشده، خداوند متعال، حضرت عیسیٰ ۷ را بنده خویش معرفی کرده و اشاره می‌کند که او را پیامبر خودش برگزید و به نماز و زکات امر فرمود. در آیه دیگری نیز خداوند، حضرت مریم را خطاب قرار می‌دهد و می‌فرماید: Π يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ O (آل عمران/۴۳)؛ ای مریم! (به شکرانه این نعمت) برای پروردگار خود، خضوع کن و سجده بجا آور! و با رکوع کنندگان، رکوع کن!

همان طور که در میقات به حضرت موسیٰ ۷ امر شد که نماز را بپا دارد. Π فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَىٰ O (طه/۱۱)؛ هنگامی که نزد آتش آمد، ندا داده شد که: «ای موسی!» Π إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طَوًى O (طه/۱۲)؛ من پروردگار توأم! کفش هایت را بیرون آر، که تو در سرزمین مقدس «طوی» هستی! Π وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ O (طه/۱۳)؛ و من تو را (برای مقام رسالت) برگزیدم؛ اکنون به آنچه بر تو وحی می‌شود، گوش فراه! Π إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي O (طه/۱۴)؛ من «الله» هستم؛ معبودی جز من نیست! مرا بپرست، و نماز را برای یاد من بپا دار!

و همچنین ابراهیم و اسماعیل نیز قبل از آن به نماز امر شده بودند همانطور که خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: Π وَعَهْدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ O (البقرة/۱۲۵).

با تأمل در آیات فوق، مشاهده می‌شود که اصل آیین نماز در ادیان الهی قبل از اسلام وارد شده است. اکنون لازم است به تعداد رکعات نماز و کیفیت آن در قرآن و احادیث و فقه اسلامی بنگریم تا مشاهده شود که تعداد رکعات نماز در اسلام، ربطی به اقتباس از آیین یهود و مسیحیت ندارد، و اگر موارد مشابهی هم در آیین اسلام و یهود و مسیحیت مشاهده می‌شود، دلیل اقتباس پیامبر از آیین یهود و مسیحیت نیست؛ بلکه از آنجایی که مسیر ادیان الهی یکی است، و در مبدأ و مقصد اختلافی با هم ندارند، و تنها متناسب با زمان و مکان، در باید و نبایدهای عملی با هم متفاوت اند و اختلاف در کیفیت

آیین‌های مذهبی، ربطی به تقلید دینی از دین دیگر ندارد، و ادیان در اصل تشریع با هم مشترک‌اند. در پاسخ ادعاهای مستشرقان نسبت به تأثیرپذیری تشریع نمازهای پنج‌گانه از آیین یهود باید گفت نص روایات معصومین، خلاف این موضوع را اثبات می‌کند. در کتاب تفسیر مقاتل بن سلیمان چنین روایت شده است: «فرض الله فی اول الاسلام الصلاة رکعتین بالغداة و رکعتین بالعشی، ثم فرض الخمس لیلة المعراج» (ابن سید الناسی، عیون الاثر، ۱۹۸۶: ۱/ ۱۲)؛ «خداوند در ابتدا دو رکعت نماز صبح و دو رکعت نماز عشا را واجب نمود، سپس در شب معراج، صلاة پنج‌گانه را واجب فرمود». مفسران مسلمان به صراحت آورده‌اند که تشریع نمازهای پنج‌گانه در ایامی بوده که پیامبر اکرم (ص) در مکه حضور داشته‌اند (ابن کثیر، البدایه و النهایه، ۱۹۸۸: ۲/ ۲۹۳؛ همان: ۳/ ۳۳، حلبی، السیره الحلبیه، ۱۴۰۰: ۱/ ۴۷). از این رو با قاطعیت می‌توان ادعای باطل مستشرقان را در این مورد ابطال کرد و جای سؤال باقی می‌ماند که چگونه مستشرقانی که غالب منابع خویش را از اهل سنت گرفته‌اند، در این مورد سکوت کرده و اعتنایی نداشته‌اند!

برای تبیین و تشریح بهتر، کیفیت نماز را در آیین اسلام، یهود و مسیحیت بررسی می‌کنیم:

الف: نماز در آیین یهود و مسیحیت

یهودیان دو نوع نماز فردی و اجتماعی دارند. نماز فردی را برای رفع حاجات و نیازهای خویش به درگاه الهی می‌خوانند که جزو مواعید نیز محسوب نمی‌شود و نماز جماعت را با قوانین خاص و در مکانی مشخص به جای می‌آورند (اسود، موسوعة الادیان و المذاهب، ۱۴۲۲: ۱/ ۱۷۹). در آیین یهود سه نوع نوبت نماز آمده است (بدوی، الدفاع عن محمد ضد المنتقدين من قدره، بی تا: ۱۶۳) که بدین شرح است:

۱. تفیلائی شحریت (نماز صبح) که وقت ادای آن از طلوع فجر تا نیمه روز است (حمامی لاله‌زار، یونس، نماز یهودیان، ۱۳۸۲: ۷) در این نماز، خداوند را برای اینکه غیریهودی خلق نشده‌اند شکر می‌کنند که این نماز، از اهم نمازها در نزد ایشان است (درویش، الصلاة فی الشرائع القديمية و الرسالات السماوية، ۱۴۲۷: ۱۰۷).

۲. تفیلائی میخا (نماز نصف النهار یا قیلوله) که وقت ادای آن از نیم ساعت بعد از ظهر تا بعد از غروب آفتاب به درازا می‌کشد (شحریت (نماز صبح) که وقت ادای آن از طلوع فجر تا نیمه روز است (حمامی لاله‌زار، یونس، نماز یهودیان، ۱۳۸۲: ۱۶۹).

۳. تفیلائی عرویت (نماز شامگاه) که وقت آن پس از غروب آفتاب تا نیمه شب است و اگر کسی نماز شامگاهش قضاء شد می‌تواند از سپیده دم تا یک ساعت قبل از طلوع آفتاب آن را به جای آورد (همان: ۱۶۶).



این نماز ابتدائاً فردای ادا می‌شد؛ اما از آنجایی که معابد در خارج از شهر قرار داشتند، برای پیشگیری از خطرات احتمالی، به صورت جماعت برگزار می‌شد (درویش، الصلاة فی الشرائع القديمة و الرسائل السماوية، ۱۴۲۷: ۱۰۷)

علاوه بر نمازهای سه‌گانه که ذکر شد، نماز شماع نیز در آیین یهودیان متداول است که به صورت دعا بوده و در سفر تثنیه (تورات، تثنیه ۶: ۴ - ۹) به وسیله عزرا و برخی از کاهنان یهودی بیان شده است که وقت ادای آن نیز قبل از نماز صبح و عصر است (درویش، الصلاة فی الشرائع القديمة و الرسائل السماوية، ۱۴۲۷، ۱۰۸ - ۱۰۹).

در آیین یهود، نماز به صورت ایستاده بوده، و ایشان ذکرهایی را رو به سمت اورشلیم قرائت می‌کنند که به آن عمیدات (ستون و پایه) می‌گویند. عمیدات به صورت سه جزء حمد، ستایش و درخواست و تشکر و سپاسگذاری است (هنیلز، راهنمایی ادیان زنده، ۱۳۸۵: ۱/ ۱۸۰). یهودیان با شست و شوی دست‌ها و قراردادن شال کوچکی بر منکب به سمت اورشلیم، نمازهایشان را ادا می‌کنند. علی‌رغم اینکه در تورات قبله خاصی برای بنی اسرائیل ذکر نشده؛ اما ایشان پس از مرگ سلیمان نبی^۷، به سمت کوه صهیون در فلسطین نماز می‌گذارند (درویش، الصلاة فی الشرائع القديمة و الرسائل السماوية، ۱۴۲۷: ۹۹) که همان مکان قدس شریف است.

مسیحیان نیز هفت نماز دارند که عبارت است از: ۱. نماز صبح، ۲. نماز ساعت سوم، ۳. نماز ساعت ششم، ۴. نماز ساعت نهم، ۵. نماز ساعت یازدهم، ۶. نماز ساعت دوازدهم، ۷. نماز نیمه شب. نمازها به صورت دعاهایی است که مسیحیان آن را به جای می‌آورند (شلیبی، ۱۹۹۸: ۲/ ۲۳۵). در آیین مسیح، نماز صبح را به عنوان شکرگذاری می‌خوانند که خداوند بعد از مرگ موقت در خواب، عطای بیداری را به ایشان بخشیده است، و علت تشریع نمازهای دوم تا ششم، هرکدام مربوط به زمان اتفاقاتی است که برای حضرت عیسی^۷ در روز آخر حیات مبارکش برایشان رخ داده و نماز هفتم حکم یادآوری است که بار دیگر حضرت عیسی^۷ ظهور خواهند کرد. البته برای راهبان مسیحی نماز دیگری به نماز «ستار» وجود دارد (درویش، الصلاة فی الشرائع القديمة و الرسائل السماوية، ۱۴۲۷: ۱۵۳).

ب: نماز در اسلام

از آنجایی که خداوند متعال، فطرت آدمی را خداپرست و خداجو خلق کرده، از این رو بشر همواره در طول تاریخ به دنبال عبادت معبودی بوده است، و در دین اسلام، مظهر و نمود عینی عبادات در نماز تجلی یافته است. نماز از جمله عبادات بسیار مهم و مورد توجه در دین اسلام است و یکی از ارکان اسلام به شمار می‌رود. در قرآن کریم آیات بسیاری در مورد نماز و آثار آن بیان شده است و خداوند متعال، نماز را به عنوان نخستین پرستش و عبادت برای مسلمانان واجب فرموده است.

در ذیل به برخی از آیات که در آن به نماز سفارش شده اشاره می‌کنیم:

Π - وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (البقرة/۱۱۰)؛ و نماز را برپا دارید و زکات را ادا کنید؛ و هر کار خیری را برای خود از پیش می‌فرستید، آن را نزد خدا (در سرای دیگر) خواهید یافت؛ خداوند به اعمال شما بیناست.

Π - أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا (الإسراء/۷۸)؛ نماز را از زوال خورشید (هنگام ظهر) تا نهایت تاریکی شب [= نیمه شب] برپا دار؛ و همچنین قرآن فجر [= نماز صبح] را؛ چرا که قرآن فجر، مشهود (فرشتگان شب و روز) است!

Π - وَأَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا (الإسراء/۷۹)؛ و پاسی از شب را (از خواب برخیز، و) قرآن (و نماز) بخوان! این یک وظیفه اضافی برای توسست؛ امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد!

در اسلام ۵ نوبت نمازهای روزانه معین شده که پیامبر اکرم α در طول عمر شریفشان، آنها را به جماعت ادا می‌کردند که عبارتند از: نماز صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشاء (ابن براج، المذهب، بی‌تا: ۱/ ۶۷)، تعداد رکعات هر نماز به طور مشخص بیان شده که نماز صبح دو رکعت، ظهر، عصر و عشاء چهار رکعت و نماز مغرب سه رکعت است. اوقات شرعی نمازها نیز در کتب فقهی بدین شرح است که: نماز صبح از طلوع فجر تا ابتدای طلوع آفتاب، نماز ظهر، از زوال تا رسیدن سایه به دو قدمی، نماز عصر بعد از فراغ ظهر تا رسیدن سایه به چهار قدم، نماز مغرب، از هنگام غروب تا غایب گردیدن شفق در سمت غرب، و نماز عشاء، بعد از زمان نماز مغرب تا آخر ثلث شب است (محقق حلی، المختصر النافع، ۱۴۱۶: ۶۸ - ۶۹؛ شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۱۳۹۰: ۱/ ۱۳۹ - ۱۴۴). نمازها در آیین اسلام، چه واجب و چه مستحب، ارکان، واجبات و ذکرهای مخصوصی دارد که با وضو و طهارت که قبل از آن اتخاذ می‌شود، به سوی قبله (کعبه) ادا می‌شود (همان: ۷۰ - ۷۱). نمازهای پنج‌گانه بدون هیچ‌گونه تغییری، از ابتدای تاریخ اسلام تاکنون ادامه یافته است که این مسئله هرگونه ادعای اقتباس از سایر ادیان را منتفی می‌دارد.

نقد و بررسی نماز در ادیان سه‌گانه

تعدد مطالب مشترک میان قرآن کریم و تورات و انجیل در مسئله «نماز»، از نگاه مسلمانان نشان‌دهنده منشأ مشترک این کتب آسمانی است؛ اما در طول تاریخ، دست‌مایه‌ای برای خاورشناسان قرار گرفته است به‌طوری‌که اصالت قرآن به‌عنوان مصدر اول احکام فقهی نماز را زیر سؤال برده‌اند و آن را اقتباسی از ادیان الهی پیشین می‌دانند.



با تدقیق در کیفیت و چگونگی نمازهای مسیحیت و یهودیت می توان دریافت که:

نمازهای یهودیان ابتدا در دو وقت انجام می گرفت و بعدها در سه زمان صبح (شَحَرِیت: در آیین یهود نماز صبح از سپیده دم تا یک سوم روز می توان آن را ادا نمود)، ظهر (مینحا: این نماز، زمان اقامه آن از ظهر تا اندکی قبل از غروب است) و شام (عرویت: این نماز پس از غروب آفتاب تا طلوع ماه خوانده می شود) برگزار می شد، این نماز با تسبیح و مدح شروع شده و با شکرگزاری خاتمه می یابد (دلرحیم، فلسفه نماز، ۱۳۸۳: ۲). درحالی که در اسلام نمازهای پنج گانه ادا می شود و در نتیجه اوقات مجاز نماز یهودیان با اوقات مسلمانان تفاوت دارد.

از دیگر تفاوت های نماز در اسلام و آیین یهود می توان به این مطلب اشاره کرد که اساس نماز یهودیان «عمیده» است که مشتمل بر هجده دعای برکت است و در نماز شماع، چند ذکر که شامل تسبیح، حاجات، تشکر و سپاسگذاری است به جای آورده می شود (اسود، موسوعة الادیان و المذاهب، ۱۴۲۲: ۱/ ۱۸۰)، درحالی که ارکان نماز در اسلام عبارت است از: نیت، قیام، تکبیره الاحرام، رکوع، سجود و اگر انسان عمداً یا سهوفاً آن را به جا نیاورد، نماز باطل می شود و همچنین نماز در اسلام مشتمل بر قرائت، ذکر، تشهد، سلام، ترتیب و موالات است که غیررکن می باشند و اگر تعمداً کم و زیاد شود، نماز باطل می گردد (موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ۱۳۶۶: ۱/ ۲۷۹ - ۲۵۴). از طرفی دیگر در اسلام، قبله خانه کعبه است (بقره/ ۱۴۴)، درحالی که علی رغم عدم تصریح و ذکر نامی از قبله در تورات، ایشان به سوی اورشلیم نماز می خوانند.

در آیین مسیح نیز تفاوت های بسیاری با نماز در آیین اسلام به چشم می خورد. در نماز مسیحیان، قیدی برای طهارت و وضو نیست، درحالی که از شروط اصلی و مقدماتی نماز، طهارت است (شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۱۳۹۰ ق: ۱/ ۲۳). همچنین در آیین مسیح هفت نوبت نماز آمده که نه تعداد نمازها و نه اوقاتش، با آیین اسلام یکسان و مشابه نیست، درحالی که در اسلام در پنج نوبت و در قالب هفده رکعت ادا می شود (محقق حلی، المختصر النافع، ۱۴۱۶: ۶۸).

با توجه به استدلال های فوق، می توان گفت که ادعای مستشرقان مبنی بر اتخاذ کیفیات نماز از آیین یهود و مسیحیت مردود است، هرچند وجوه اشتراکی دیده می شود که آن هم به دلیل آن است که ادیان الهی همگی از جانب خدایی واحد آمده که آدمی را به پرستش فراخوانده است؛ اما با بررسی اوقات، کیفیت، آداب نماز به شرحی که در سطور فوق گذشت، تفاوت ماهوی در نماز بین ادیان سه گانه دیده می شود که احتمال اقتباس را منتفی می دارد. در واقع می توان گفت قرآن برخی آداب و رسومی که یادگار ادیان الهی گذشته و مطابق فطرت الهی بوده است را تأیید کرده و اشکال و انحرافات آن را تصحیح

نموده که در مسئله نماز نیز بدین گونه است و دین اسلام با بیان مسائل فقهی - عبادی در مورد نماز، قصد بازسازی، اصلاح سوره مریم نیز همین مسئله را بیان می‌فرماید: Π فَخَلَفَ مِنْ بَعدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا (مریم/۵۹)؛ «اما پس از آنان، فرزندان نا شایسته‌ای روی کار آمدند که نماز را تبه ساختند و از شهوات پیروی نمودند و به زودی [مجازات] گمراهی خود را خواهند دید». پس در نتیجه می‌توان گفت نماز و وجوب و کیفیت آن در اسلام مستند به آیات قرآن است و در عین حال سیر تدریجی داشته است و در زمان حیات پیامبر α تشریع نماز از جانب خداوند متعال به تکامل رسیده است؛ اما در سایر ادیان الهی همچون یهود و مسیحیت، به دلیل عدم وجود نص صریح درباره نماز، نمازها توسط اندیشمندان یهودی و مسیحی مقرر و واجب شده است.

نتیجه

با توجه به مطالبی که در تحقیق حاضر بدان پرداخته شد، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که شباهت‌هایی که بعضی از مستشرقان با گواه به آن، در مورد اقتباس فقه اسلامی از آیین یهود و مسیحیت نظر داده‌اند، صرفاً با استناد به برخی شباهت‌های ظاهری است، درحالی‌که فقه اسلامی با سایر نظام‌های حقوقی تفاوت‌های فراوانی دارد. به بیان دیگر دین اسلام دارای اشتراکاتی با سایر ادیان الهی پیشین همچون یهودیت و مسیحیت است؛ اما مبانی عمیق‌تر و دقیق‌تری دارد و انبیای ادیان گذشته نیز مقدار زمان عمل به دین خود را تا آمدن دین جدید بیان می‌کرده‌اند و از این رو به آمدن پیامبر بعدی و دین جدید بشارت می‌داده‌اند، بنابراین احکام آن ادیان برای تمام دوره‌ها قابل اجرا نیست و فرضیه اقتباس مسائل فقهی اسلام از ادیان گذشته مردود است. از این رو وجود شباهت برخی از قوانین فقهی - عبادی بین اسلام و آیین یهود و مسیحیت، دال بر اقتباس فقه اسلامی از آنها نیست؛ بلکه نشان می‌دهد خاستگاه قوانین فقهی از مصدری واحد است و از ناحیه خداوند متعال و توسط انبیاء عظام الهی برای هدایت بشر آمده که این مسئله را از وجوه تشابه در بین قوانین و احکام در ادیان الهی می‌توان دید. در مسئله نماز نیز علی‌رغم برخی تشابهات ظاهری، اما وجوه افتراق بسیاری همچون اهداف، شکل ظاهری، اوقات نماز، نحوه و کیفیت اجرا و احکام فقهی در مسئله نماز میان ادیان سه‌گانه دیده می‌شود که این مسئله اثبات‌کننده بطلان فرضیه اقتباس مسائل فقهی نماز از ادیان پیشین است و فقه القرآن در دین اسلام قائم به ذات بوده و برگرفته از ادیان پیشین نیست، هرچند به دلیل خاستگاه مشترک، دارای برخی شباهت‌های ظاهری است.



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، قم: دارالقرآن الکریم، چاپ دوم، ۱۳۷۳ ش.
۲. ابن سید الناسی، عیون الاثر، بیروت: موسسه عزالدین، ۱۹۸۶ م.
۳. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴.
۴. ابن کثیر، البدایه و النهایه، تحقیق علی شیر، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۸.
۵. ابوهره، محمد، اصول الفقه، دارالفکر العربی، قاهره: بی تا.
۶. اسکندرلو، محمدجواد، ترجمه و نقد مدخل تاریخ گذاری و قرآن، نشریه پژوهشنامه حقوق اسلامی، ش ۱۵، ۱۳۸۳.
۷. اسود، عبدالزراح، موسوعة الاديان و المذاهب، بیروت: دارالعربی، ۱۴۲۲.
۸. آریان پور، منوچهر، فرهنگ همراه انگلیسی فارسی، چاپ چهل و دو، تهران: جهان رایانه، بی تا.
۹. بخاری، محمدبن اسماعیل، الصحيح، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۵.
۱۰. بدوی، عبدالرحمان، الدفاع عن محمد ضد المنتقدين من قدره، ترجمه کمال جادالله، الدار العالمیه، بی جا: بی تا.
۱۱. بنی عامر، محمد امین حسن، المستشرقون و القرآن الکریم، اردن: دارالامل النشر والتوزیع، ۲۰۰۴ م.
۱۲. پارسا، فروغ، حدیث در نگاه خاورشناسان، تهران: نشر دانشگاه الزهرا، ۱۳۸۸.
۱۳. پاکتچی، احمد، اصحاب حدیث، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر محمد کاظم موسوی بجنوردی، تهران: ۱۳۸۱.
۱۴. جناتی، محمد ابراهیم، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران: کیهان، ۱۳۷۴ ش.
۱۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۱۰ ق.
۱۶. حلبی، السیرة الحلبیه، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۰.
۱۷. حمامی لاله زار، یونس، نماز یهودیان، ترجمه کتاب «سید وریشاریم»، تهران: انجمن کلمبیا، ۱۳۸۲.
۱۸. دایرة المعارف الاسلامیه، ترجمه احمد السنتناوی، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
۱۹. درویش، هدی، الصلاة فی الشرائع القديمية و الرسائل السماوية، معهد الدراسات الاسيوييه، جامعه الزقازيق، ۱۴۲۷.
۲۰. دلرحیم، رحمان، فلسفه نماز، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۳.

۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲ ق.
۲۲. رونالد. ل. نترل، دائرة المعارف جهان نوین اسلام، مدخل اسلام و یهودیت، مترجمان: دشتی، مهدی، دشتی، محمد، طارمی، حسن، نشر کتاب مرجع، تهران: ۱۳۹۱.
۲۳. سالم الحاج، ساسی، نقد الخطاب الاستشراقی الظاهرة الاستشراقیة و أثرها فی الدراسات الإسلامیة، بیروت: دارالمدار الاسلامی، ۲۰۰۲ م.
۲۴. سباعی، مصطفی، الاستشراق و المستشرقون ما لهم و ما علیهم، بیروت: مکتب الاسلامی، ۱۴۰۵.
۲۵. ساخت، جوزف، دیباچه ای بر فقه اسلامی، ترجمه اسدالله نوری، تهران: هرمس، ۱۳۸۸.
۲۶. شلبی، احمد، مقارنه الادیان، المسیحیة، چاپ دهم، قاهره: مکتبه النهضة المصریة، ۱۹۹۸.
۲۷. شیخ صدوق، ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، تصحیح محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۹۰ ق.
۲۸. صدر، محمدباقر، دروس فی علم الاصول، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۰۸.
۲۹. ضلی، عبدالهادی، مبادئ علم الفقه، بیروت: مؤسسه ام القرى للتحقیق و النشر، ۱۴۱۶ ق.
۳۰. عاملی، شیخ حسن بن زین الدین، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، قم: دارالفکر، ۱۳۷۴ ق
۳۱. علامه حلی، حسن بن یوسف، تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیة، قم: مؤسسه امام صادق، ۱۴۲۰ ق
۳۲. علی الصغیر، محمدحسین، الدراسات القرآنیة، نجف: مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۳.
۳۳. فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۸.
۳۴. گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷ ش.
۳۵. گلدزیهر، ایگناس، درس های از اسلام، ترجمه: علی نقی منزوی، تهران: نشر کمانگیر، ۱۳۶۷.
۳۶. مالرب، میشل، انسان و ادیان، ترجمه مهران توکلی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۹.
۳۷. محقق حلی، جعفر بن حسن، المختصر النافع، چاپ دوم، بی جا: مؤسسه البعثه، ۱۴۱۶.
۳۸. معارف، مجید، درآمدی بر قرآن پژوهی مستشرقان و آسیب شناسی آن، پژوهش دینی، ش ۹، ۱۳۸۴.
۳۹. موسوی خمینی، تحریر الوسیله، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۶.
۴۰. میدانی، عبدالرحمن حسن حنکه، اجنحة المکر الثلاثة و خوفیها، چاپ هشتم، دمشق: دارالقلم، ۲۰۰۰ م.
۴۱. نوری، محمد اسماعیل، آشنایی با فقه، قم: احسن الحدیث، ۱۳۷۸ ش
۴۲. هینلز، جان راسل، راهنمایی ادیان زنده، عبدالرحیم گواهی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵.



۴۳. Coulson, N. J., A History of Islamic law, Islamic Survey ۲, ۱۹۶۴, Reprinted Edinburgh, Edinburgh university Press, ۱۹۹۱.
۴۴. Geiger, Abraham, Judaism and Islam, Cornell University Library, ۱۸۹۸.
۴۵. Goldziher, "Fikh", EI^۱, vol. ۳, Leiden / London, ۱۹۲۷.
۴۶. Goldziher, Ignaz, Die Zâhiriten, Leipzig, ۱۸۸۴.
۴۷. Goldziher, Ignaz. Muslim Studies (Muhammedanische Studien). Edited by S. M. Stern, translated by C. R. Barber and S. M. Stern. vol. ۲ London: George Allen and Unwin, ۱۹۷۱.
۴۸. Kremer, Alfered Von, Culture Geschichte des Orients under den chalifen, Vienna, ۱۸۷۵.
۴۹. Motzki, Harald, The Origins of Islamic Jurisprudence Meccan Fiqh before the Classical Schools, Brill, Leiden. Boston. Koln, ۲۰۰۲.
۵۰. Oxford advanced learnings dictionary A,s horn by, oxford university press.
۵۱. Schacht, Joseph, An Introduction to Islamic Law, Oxford, Clarendon Press, ۱۹۶۴.
۵۲. Schacht, Joseph. "A Revaluation of Islamic Traditions", Journal of the Royal Asiatic Society, ۱۹۴۹, ۱۴۳-۵۴.
۵۳. Schacht, Joseph. The Origins of Muhammadan Jurisprudence, ۴th impression. Oxford, ۱۹۶۷ [1st ed. ۱۹۵۰.
۵۴. Torry, Charles Cutler, *The Jewish Foundation Of Islam*, New York :Jewish Institute Of Religion Press Bloch Publishing, ۱۹۳۳.

Resources

The Holy Quran, Translated by Ayatullah Makarem Shirazi

۱. Abu Zuhrah, Mohammad, *Usul Fiqh*, Dar al-Fikr al-Arabi, Cairo: n.d.
۲. Ali al-Sagheer, Mohammad Hossein, *al-Quran Studies*, Maktab al-A'lam al-Islami, ۱۴۱۳.
۳. Allamah Hilli, Hassan bin Yousuf, *Tahrir al-Ahkam al-Sharia al Madhhab al-Imama'iyyah*, Qom: Institute of Imam Sadiq (A.S), ۱۴۲۰ AH
۴. Amili, Sheikh Hassan bin Zain al-Din, *Ma'alim al-Din and Malad al-Mujtahidin*, Qom: Dar al-Fikr, ۱۳۷۴ AH
۵. Aryanpour, Manouchehr, *Persian English Bilingual Dictionary*, ۴th Edition, Tehran: Jahan Rayaneh, n.d.
۶. Aswad, Abd al-Zarih, *The Encyclopedia of Religions and Denominations*, Beirut: Dar al-Arabiya, ۱۴۲۲.
۷. Badawi, Abdurrahman, *Defense of Mohammad against the Critics of Man Qadarah*, Translated by Kamal Jadullah, Al-Dar al-Ilmiyyah, N.p: n.d.
۸. Bani Amir, Mohammad Amin Hassan, *Orientalists and Holy Quran*, Jordan: Dar al-Aml al-Nashr wa al-Tawzi', ۲۰۰۴.
۹. Bukhari, Mohammad bin Ismail, *al-Sahih*, Beirut: Dar al-Fikr, ۱۴۲۵.
۱۰. Coulson, N. J., *A History of Islamic Law*, Islamic Survey ۲, ۱۹۶۴, Reprinted Edinburgh, Edinburgh University Press, ۱۹۹۱.
۱۱. Darvish, Hoda, *Al-Salah fi al-Shara'i al-Qadimiyyah wa al-Risalat al-Samawiyyah*, Institute of al-Asiwiyyah Studies, Al-Zaghaziq University, ۱۴۲۷.
۱۲. Delrahim, Rahman, *Philosophy of Prayer*, Religions and Denominations Studies and Research Center, ۲۰۰۴.
۱۳. Encyclopedia of Islam, Translated by Ahmad al-Suntnawi, Beirut: Dar al-Marifah, n.d.
۱۴. Eskanderlou, Mohammad Javad, *Translation and Criticism of the Entry of History and the Quran*, Research Journal of Islamic Law, No. ۱۵, ۲۰۰۴.
۱۵. Fazli, Abd al-Hadi, *Principles of Jurisprudence*, Beirut: Umm al-Qura Institute for Research and Publishing, ۱۴۱۶ AH.
۱۶. Firouzabadi, Majad al-Din Mohammad bin Yaqub, *Al-Muhait Dictionary*, Beirut, Dar al-Fakr, ۱۴۲۸.
۱۷. Geiger, Abraham, *Judaism and Islam*, Cornell University Library, ۱۸۹۸.
۱۸. Goldziher, "Fikh", EI^۱, vol. ۳, Leiden / London, ۱۹۲۷.
۱۹. Goldziher, Ignác, *Lessons from Islam*, Translated by Ali Naghi Munzavi, Tehran, Kamangir Publishing House, ۱۹۸۸.
۲۰. Goldziher, Ignaz, *Die Zâhiriten*, Leipzig, ۱۸۸۴.
۲۱. Goldziher, Ignaz. *Muslim Studies (Muhammedanische Studien)*. Edited by S. M. Stern, Translated by C. R. Barber and S. M. Stern. vol. ۲ London: George Allen and Unwin, ۱۹۷۱.



۲۲. Gurji, Abol-Qasim, *History of Jurisprudence and Jurists*, Tehran: Organization for the Study and Editing of Books on Islamic Sciences of Universities (SAMT), ۱۹۹۸.
۲۳. Halabi, *Al-Sirah Al-Halabiyyah*, Beirut: Dar al-Marifah, ۱۴۰۰.
۲۴. Hanils, John Russell, *Guide to Living Religions*, Abdur Rahim Guwahi, Qom: Bustan Kitab, ۲۰۰۶.
۲۵. Ibn Faris, Ahmad Ibn Faris, *Mujam Maqayis al-Lughah*, Qom, Maktab al-A'lam al-Islami, ۱۴۰۴.
۲۶. Ibn Kathir, *Al-Bidayah wa Al-Nahiyah*, Researched by Ali Shiri, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, ۱۹۸۸.
۲۷. Ibn Sayyid al-Nasi, *Uyoun al-Athar*, Beirut, Ezzeddin Institute, ۱۹۸۶.
۲۸. Jannati, Mohammad Ebrahim, *Periods of Jurisprudence and the Quality of Its Expression*, Tehran: Kayhan, ۱۹۹۰.
۲۹. Jawhari, Ismail bin Hammad, *Al-Sihah - Taj al-Lughah wa Sihah al-Arabiyyah*, Beirut: Dar al-Ilm Lil Malayin, ۱۴۱۰.
۳۰. Jewish Prayer, Translation of the Book "Seyd Varisharim, Translated by Yunus Hamami Lalezar, Tehran: Columbia Society, ۲۰۰۳.
۳۱. Kremer, Alfered Von, *Culture Geschichte des Orients under den chalifen*, Vienna, ۱۸۷۰.
۳۲. Ma'arif, Majid, *An introduction to the Orientalist's Study of the Quran and Its Pathology*, Religious Research, Vol. ۹, ۲۰۰۰.
۳۳. Maidani, Abdurrahman Hassan Habanka, *Luknahah al-Makr al-Thalasah wa Khawafiha*, ۸th Edition, Damascus: Dar al-Qalam, ۲۰۰۰.
۳۴. Makki Amili, Mohammad (the First Martyr), *Dhikra al-Shia fi Ahkam al-Sharia*, Alul-Bayt Institute, ۱۴۱۹.
۳۵. Malerb, Michel, *Humans and Religions*, Translated by Mehran Tavakkoli, Tehran: Ney Publishing, ۲۰۰۰.
۳۶. Mohaqqiq Hilli, Jafar bin Hasan, *Al-Mukhtasar al-Nafi'*, Second Edition, N.p: Al-Be'thah Foundation, ۱۴۱۶.
۳۷. Motzki, Harald, *The Origins of Islamic Jurisprudence Meccan Fiqh before the Classical Schools*, Brill, Leiden. Boston. Koln, ۲۰۰۲.
۳۸. Mousavi Khomeini, *Tahrir Al Wasila*, Qom, Islamic Publications Office, ۱۹۸۷.
۳۹. Naieni, Mohammad Hossein, *Fawad al-Usul*, Qom: Islamic Publishing Institute, ۷th Edition, ۱۴۲۱.
۴۰. Nouri, Mohammad Ismail, *Introduction to jurisprudence*, Qom: Ahsan al-Hadith, ۱۹۹۹.
۴۱. *Oxford Advanced Learnings Dictionary*, A,s horn by, oxford university press.
۴۲. Paktachi, Ahmad, *Companions of Hadith, Great Islamic Encyclopaedia*, under the Supervision of Mohammad Kazim Mousavi Bejnordi, Tehran: ۲۰۰۲.

۴۳. Parsa, Forough, *Hadith in the Eyes of Orientalists*, Tehran: Al-Zahra University Publishers, ۲۰۰۹.
۴۴. Raghib Isfahani, Hossein bin Mohammad, *Mufradat Alfaz al-Quran*, Beirut: Dar al-Qalam Publications, ۱۴۱۲ A.H.
۴۵. Ronald L. Netler, *Encyclopaedia of the Modern World of Islam, Introduction to Islam and Judaism*, Translators: Dashti, Mehdi, Dashti, Mohammad, Tarimi, Hassan, Reference Kitab Publishing, Tehran: ۲۰۱۲.
۴۶. Saba'i, Mustafa, *Al-Istashraq wa al-Mustashriqun; Pros and Cons*, Beirut: Maktab al-Islami, ۱۴۰۵.
۴۷. Sadr, Mohammad Baqir, *Dorus fi Ilm al-Asul*, Qom: Ismailian Institute, Second Edition, ۱۴۰۸.
۴۸. Salem al-Hajj, Sasi, *Criticism of al-Khitab al-Istishraqi al-Zahirah al-Istihraqiyyah wa Atharuha fi al-Dirasat al-Islamiyyah*, Beirut: Dar al-Madar al-Islami, ۲۰۰۲.
۴۹. Schacht, Joseph, *An Introduction to Islamic Jurisprudence*, Translated by Asadullah Nouri, Tehran: Hermes Publishing, ۲۰۰۹.
۵۰. Schacht, Joseph, *An Introduction to Islamic Law*, Oxford, Clarendon Press, ۱۹۶۴.
۵۱. Schacht, Joseph. "A Revaluation of Islamic Traditions", *Journal of the Royal Asiatic Society*, ۱۹۴۹, ۱۴۳-۵۴.
۵۲. Schacht, Joseph. *The Origins of Mohammadan Jurisprudence*, ۴th Impression. Oxford, ۱۹۶۷ [۱st ed. ۱۹۵۰.
۵۳. Sheikh Sadouq, Ibn Babawayh, *Man la Yahzuru al-Faqih*, Revised by Mohammad Akhundi, Tehran: Dar al Kutub al-Islamiyyah, ۱۳۹۰ AH.
۵۴. Shelbi, Ahmad, *Comparative Religions; Christianity*, ۱۰th Edition, Cairo: Maktabah al-Nahdah al-Misriyyah, ۱۹۹۸.
۵۵. Torry, Charles Cutler, *The Jewish Foundation Of Islam*, New York: Jewish Institute Of Religion Press Bloch Publishing, ۱۹۳۳.